

□ بهمن فردوسی روی شعر «ایرانی ام، ایران زمین را دوست دارم» اثر پروفیسور سیدحسین امین، آهنگی حماسی در دستگاه ماهور ساخته است. مصاحبه‌ی صمیمانه‌ی حاضر با او در حاشیه‌ی کارهای دیگر این هنرمند موفق انجام شده است.

س- شرح حال مختصری از زندگی هنری خویش بیان نمایید.

ج- نام این حقیر، بهمن فردوسی، و در سال ۱۳۱۸ در شهر نفت خیز مسجدسلیمان متولد شده‌ام. در دوران دبیرستان که به موسیقی علاقه‌مند شده بودم امکان یادگیری در شهرمان وجود نداشت- توجه پدر و مادر را در این مورد جلب نموده و با اجازه و یاری آنان با شروع تعطیلات مدارس به تهران می‌رفتم و در مکتب استاد محمد بهارلو به فراگیری موسیقی مشغول و در پایان تعطیلات برای رفتن به کلاس درس مدرسه به شهر خود باز می‌گشتم و تا اخذ دیپلم این روند هر ساله ادامه داشت. در زمان سربازی نیز خود را به تهران منتقل و در این مدت نیز از وجود استاد جهانگیر کامیان بهره می‌گرفتم- در سال ۱۳۴۱ نیز اولین کنسرت خود را به خوانندگی استاد بهمن علاء الدین در باشگاه شرکت نفت مسجد سلیمان اجرا نمودم. از سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ با فرهنگ و هنر و صدا و سیمای استان خوزستان در اهواز همکاری داشتم- از سال ۱۳۷۵ پس از بازنشستگی از وزارت نیرو به نوشتن چند جلد کتاب در مورد موسیقی به نام‌های آوای سرور، نوای بهمن و... مشغول شدم.

س- با توجه به اینکه ساز تخصصی شما ویلن است، به طور کلی نقش این ساز در موسیقی ایرانی از زمان استاد صبا تاکنون چگونه بوده است و در پیشرفت موسیقی ایران چه تأثیری داشته است.

ج- ویلن حدود یکصد سال پیش وارد ایران شده و با خدماتی که نوازندگان آن به

موسیقی ایرانی کردند، چون این ساز می‌توانست بیانگر موسیقی‌های جهان باشد، خودش را در همه‌ی کشورها جا کرده و این سازی است که به دلیل نداشتن پرده و نامحدود بودن پنجه‌گذاری روی دسته ویلن می‌تواند موسیقی‌های کل جهان را بیان کند و به نظر من ویلن، سازی است که نمی‌شود گفت ساز سنتی چه کشوری است و در نتیجه باید گفت تنها سازی است که در موسیقی‌های سنتی و غیرسنتی همه کشورهای جهان جای دارد.

س- نظر به این‌که اکثر نوازندگان به نام ویلن آهنگ‌های جاودانه ساخته‌اند و تاکنون نیز هم‌چنان در آسمان هنر موسیقی ایران درخشش دارند چرا و چگونه است که سالیان متوالی است جای خالی چنین آثاری مشهود است.

ج- موسیقی‌دانان ما از طرف دولت حمایت نمی‌شوند و در نتیجه امورات زندگی را از طریق دیگری غیر از موسیقی باید بگذرانند. مضافاً اینکه به ندرت پیش می‌آید که افراد اهل ذوق از قشر ثروتمندان جامعه باشند، و تلاش بی‌وقفه برای امرار معاش جلوی همت در گسترش خلق آثار را می‌گیرد. هنرمندان ما نان از خودشان می‌خورند و افتخارشان برای جامعه است.

س- اکثر موسیقی‌دانان مشهور و به نام، اعم از ایرانی و خارجی از موسیقی محلی مرز و بوم خویش الهام گرفته‌اند که از جمله می‌توان استاد ابوالحسن صبا را نام برد، که در خطه سرسبز شمال به خلق آثاری شگرف و به یاد ماندنی همت گماشته که از جمله آهنگ زیبای زرد ملیحه را می‌توان نام برد. اینک جناب عالی تهیه و تدوین آثار محلی را وجهه‌ی همت خویش قرار داده و در کتاب **آوای سرور** و سایر کتاب‌های خویش به صورت نت تهیه نموده و در اختیار علاقه‌مندان موسیقی قرار داده‌اید. به نظر شما نقش موسیقی محلی در پیش برد اهداف

موسیقی ایران چه‌گونه است؟

ج- اکثر موسیقی‌دان‌های جهان مثل شوپن در لهستان، اصلاً موسیقی‌های محلی را مبداء و مأخذ قرار داده‌اند و باید گفت موسیقی‌هایی است که به دل می‌نشیند مثل موسیقی‌های جیسیک (= موسیقی‌های کولی‌های اروپا) همه الهام گرفته از موسیقی‌های محلی است و به دلیل آگاهی، تجربه و دنبال علم موسیقی رفتن موسیقی‌دان‌های دنیا این موسیقی گسترش پیدا کرده در ایران کم و بیش افرادی پیدا شده‌اند که موسیقی‌های محلی را مبداء کار خود قرار داده‌اند. مثل استاد ابوالحسن صبا که از موسیقی گیلان خیلی استفاده کرد. مرحوم محمد علی خادم میثاق ترانه‌های محلی را جمع‌آوری و نت کرد و اشعار آنها را نیز نوشت و حتی در این راه جان خود را از دست داد. ولی همین‌طور که موسیقی ملی ما آن رشد و نمو و گستره خودش را پیدا نکرد، موسیقی محلی ما هم به دلیل عدم وجود متولی و مسئول متأسفانه پیشرفتی نداشته و آنچه که موجود است مدیون زحمات افرادی است که شخصاً در این راه همت گماشته‌اند.

س- اصولاً پیشرفت عملی موسیقی غرب مدیون و مرهون موسیقی‌دانان بزرگی چون بتهوون، باخ و دیگر استادان فن بوده است که با مکتوب نمودن آثار خویش میراث ماندگاری به یادگار گذاشته‌اند، به نظر شما چرا اکثریت قریب به اتفاق استادان موسیقی ملی ایران نسبت به مکتوب نمودن آثار خویش تمایلی به خرج نداده‌اند؟

ج- ما در دوره ساسانی خط نت داشتیم و موسیقی‌دانان ما مثل تمام امور که پیش رفته بود و همه علوم را مکتوب می‌کردند، موسیقی را هم می‌نوشتند- ولی به دلیل تاخت و تازها و همچنین عدم وجود سازمان مشخصی که از موسیقی‌دان‌ها حمایت کند- اختلافات عقیدتی و عقلی- عدم حرکت به طرف علم موسیقی- عدم توجه مسئولین به گسترش هنر- و آنها هم که نوشته‌اند در خانه‌هاشان مانده و خاک خورده. مخصوصاً به دلیل فقر مالی و اگر مکتوب هم شده مورد توجه قرار نگرفته- ترویج نکردن موسیقی از طرف مسئولین امر- مثلاً آثار حسن رادمرد- آثار

س- برخی بدون نت نوازندگی می‌کنند، در این مورد نظر شما چیست؟

ج- وقتی انسان کاری را با عشق انجام می‌دهد، زمینه آن برایش مهیا می‌شود، مثلاً سازی را به دست می‌گیرد و آنقدر با سیم‌ها و پرده‌های آن ور می‌رود و از احساس و استعداد درونی خود بهره می‌گیرد تا بالاخره نواهایی را که احساس می‌کند از درون ساز بیرون می‌کشد و وقتی این کار برایش عادی شد، مثل انسانی می‌شود که سواد خواندن و نوشتن ندارد ولی از بس عمقاً به گفتار بزرگان و فرهیختگان توجه کرده، دارای معلومات و بیانی می‌شود که از اغلب تحصیل کرده‌ها بهتر می‌شود. ولی همین شخص اگر خواست مطالب و یا آهنگ‌های ساخته ذهن خود را به دیگران هم ارایه دهد، به ناچار باید سواد نوشتن آن را داشته باشد.

س- چه شد که به نوشتن کتاب روی آوردید؟

ج- همان‌طور که در کتاب‌های خود اشاره نموده‌ام، من هم بر این عقیده هستم که «دانش و تجربیات آنگاه ارزشمند است که به نوشتار در آید تا آیندگان نیز از آن بهره گیرند» بدین جهت پس از سی و هشت سال خدمت اداری تصمیم گرفتم مسیر فکری خود را به طرف تجربیاتی سوق دهم که از زمان محصلی تا بازنشستگی داشته‌ام، این شد که تاکنون چهار جلد کتاب به نام‌های نوای بهمن- سیزده قطعه پیش درآمد- آوای سرور ۱ و آوای سرور ۲ به چاپ رسانیده‌ام و اگر خداوند یاری کند ادامه دهم، که در اینجا لازم می‌دانم از استقبال هنرمندان عزیز در سراسر کشور و خارج از کشور قدردانی و تشکر نمایم.

نشریه: آقای فردوسی، از همکاری شما متشکریم، امیدواریم کماکان موفق باشید. ■

کنل وزیر- آثار دهلوی که مانده و اجرا نشده و کسی هم همراهی نکرده. و آثاری را هم که به قول شما اینجانب منتشر نموده‌ام، از تألیفات خود بنده و دیگر دوستان بوده که با همت و سرمایه شخصی بوده و جای شکر دارد که اجازه نشر آنها داده شده است.

س- چه‌طور برای شعر «ایرانی‌ام، ایران‌زمین را دوست دارم»، از پروفیسور امین آهنگ ساختید؟

ج- لوح فشرده‌یی که استاد امین شعرشان را دکلمه کرده بودند و محسن نامجو هم آن را خوانده بود، شنیدم و تحت‌تأثیر قرار گرفتم. لذا تصمیم گرفتم که روی آن آهنگ بگذارم و آن را «سرود ایران‌زمین» بنامم.

س- مختصات سرود چیست؟

ج- سرود، دارای ریتم‌های مهیج بوده و برای نواختن آن از آلات موسیقی پرطنین استفاده می‌شود و غالباً دو ضربی است که به صورت مارش و برای ترغیب سپاهیان و یا هیجانان ملی و میهن‌پرستی است، در حالی که تصنیف و ترانه ترمیمی است تأثیر پذیرفته از عواطف پاک انسانی.

س- چرا مثل گذشته و یا مثل کشورهای دیگر، در سیمای جمهوری اسلامی ساز را نشان نمی‌دهند.

ج- مکتب آیینی ما رغبت چندانی به موسیقی ندارد، و علاقه‌ی اولیاء دوابر مربوطه هم فقط تا حد رفع احتیاج است، کما اینکه توجهی هم به هنرمندان اصیل و با سابقه نکردند، نشان ندادن ساز هم از طریق سیمای کشور خودش یک معضل روانی شده برای هنرمندان، باباطاهر گفته بود «زدست دیده و دل هر دو فریاد/ که هر چه دیده ببند دل کند یاد» حالا اینها می‌خواهند دیده نبیند تا دل نکند یاد.



تالار آبی، کاخ نیاوران - سیدحسین امین مدیر نشریه‌ی حافظ و شهرام ناظری استاد آواز ایران